

خفتگان شهر افسوس

آبادستان اصحاب كهف يك واقعت تاريخی است وانگهی بامسأله
رستاخیز چه ارتباطی دارد ؟
آیا چنین خواب طولانی از نظر علمی امکان پذیر است و می توان
شواهدی برای آن یافت ؟

در سوره ۱۸ قرآن مجید (سوره كهف) سرگذشت چند جوان با ایمان را می خوانیم که از مردم بت پرست زمان خود که درباره «خدا» و «معاد» (هر دو) تردید داشتند فرار نمودند و به غاری پناهنده شدند .

«آنها بخاطر آزادمنشی و اندیشه بیدار خود دریافته بودند که بت پرستی که محیط خفتگان بار آنها را پر کرده ، و افکار مردم را به زنجیر کشیده ، خرافه ای بیش نیست که بت های بزرگ اجتماع و زمامداران وقت ، برای تحمیل توده های مردم ، و تخدیر افکار آنها ، و هموار ساختن راه الوهیت خود ، بوجود آورده اند .

آنها که پستهای حساسی در اجتماع خود داشتند آزادی از این خرافات و اسارتها و ذلتها را بر حفظ مقام خود ترجیح دادند و بطور پنهانی شهر و دیار خود را به سوی مقصد نامعلومی پشت سر گذاشتند و پس از مدتی به غاری رسیده و آنرا بعنوان پناهگاه خود انتخاب کردند .

و در آن غاری خواب عجیب و طولانی آنها را فراگرفت . صدها سال خوابیدند ! و هنگامی که از این خواب گران و سنگین بیدار شدند تصور می کردند - طبق معمول - يك روز یا قسمتی از يك روز ، بیشتر نخواهی آید ؛ اما همه شواهد قیافه ها و وضع محیط اطراف غار - نشان میداد که موضوع غیر از این است و به همین دلیل آنها در تردید عمیقی فرو رفتند .

اما همین که یکی از آنها برای خرید غذا بشهری که در آن نزدیکی بود آمد ، ماجرا ، برای همه ، برای مردم شهر و برای خود آنها ، روشن شد و فهمیدند که چه حادثه شگفت آوری روی داده است .

نه تنها سکه های که در دست آنها بود گواهی می داد که مربوط به صد هجرت پیش است، بلکه طرز برخورد آنها با مردم شهر - شهری که چند قرن را پشت سر گذاشته ، و با عادات و رسوم و شکل زندگی گذشته فاصله زیادی گرفته بود - به ضمیمه آنچه در تاریخ درباره ناپدید شدن چند جوان صاحب منصب عالیمقام خوانده بودند ، همه شاهد بر صحت وقوع چنین حادثه ای بود .

و همین موضوع درس بزرگی، به آنها که در امر رستاخیز شک و تردید داشتند، داد که اگر زندگی بس از خوابی که «برادر مرگ» بلکه همچون «خود مرگ» بوده امکان پذیر باشد ، زنده شدن مردگان نیز چندان بعید به نظر نمی رسد ، و این نقطه عطفی در افکار مذهبی آنها بود

و این راه دیگری است که قرآن برای رفع استبعاد از مسأله معاد ، و نزدیک ساختن آن به اذهان توده های مردم پیموده است .

* * *

اذوی الفتية الی الکھف فقالوا ربنا آتنا من لدنک رحمة وھیبی ء
لنا من امرنا رشداً .

فصر بنا علی آذانہم فی الکھف سنین عدد اثم بعثنا ہم لنعلم ای
العزیزین احصی لمانبثوا امدا

و كذلك بعثناہم لیتسألوا بینہم قال قائل منہم کم لبثتم قالوا البثنا
یوما و بعض یوم قالوا ربکم اعلم بما لبثتم قالوا فابعثوا احدکم
بورقکم هذه الی المدینة فلینظر ایھا ازکی طعاماً فلیأ تکم برزق منہ
ولیتعطف ولا یشعرن بکم احداً .

انہم ان ینظروا علیکم یرجموکم او یعیبدوکم فی ملتہم ولن
تفلحوا اذا ابدا .

و كذلك اعثرنا علیہم لبعلموا ان وعد اللہ حق وان الساعة
لاریب فیھا (سوره کہف آیه ۹ تا ۲۰)

: « بخاطر بیاوریدن گامی را که آن جوانان به غار پناه بردند و در آن مسکن
گزیدند و به پیشگاه خدا عرضه داشتند : پروردگارا رحمت را بر ما بفرست و راه
راستی پیش پای ما بگذار و ما را از این حادثه نجات بده .

سپس ما صالها پزده ای (از خواب سنگین) برگوش آنها افکنندیم و بعد از آن آنها را بیدار
ساختیم تا روشن گردد کدامین گروه که در مقدار خواب آنها گنگو داشتند حساب
آنها بهتر نگاه داشته اند .

... و این گونه آنها را برانگیختیم تا از یکدیگر پرسش کنند . یکی از آنها پرسید چقدر در این جا درنگ کرده‌اید ؟ گفتند : يك روز یا کمتر (سپس از روی قرائتی به تردید افتادند و) گفتند : پروردگارشما از مدت توقف (و خواب) شما آگاه‌تر است اکنون يك نفر را با این پول به شهر بفرستید تا غذای پاکیزه‌ای برای شما بیاورد و باید با نهایت ملایمت رفتار کند و هیچکس را از راز شما آگاه نسازد . زیرا اگر آنها به شما دست یابند سنگسارتان می‌کنند ؛ یا به آئین خود باز می‌گردانند و هیچگاه رستگار نخواهید شد .

و این گونه مردم آن زمان را از راز آنها با خبر ساختیم تا بدانند وعده خدا حق است و شك و تردیدی در **رسواییم** نیست .

* * *

آیا این داستان در هیچیک از کتب آسمانی غیر از قرآن دیگر آمده است ؟

آیا در منابع تاریخی اثری از آن به چشم می‌خورد ؟

آیا چنین خوابی اصولاً از نظر علمی امکان پذیر است ؟

آیا چنین عمر طولانی برای بشر - آنهم انسانی که در مدت خواب طبعاً تغذیه‌ای ندارد - قابل قبول می‌باشد؟ و از همه گذشته چنین حادثه‌ای چگونه ممکن است به فهم مسأله معادكمك کند ؟

اینها علامتهای استفهامی است که در گرداگرد این حادثه نقش بسته است و باید به یکایک آنها پاسخ داد .

* * *

در مورد سؤال اول و دوم باید گفت :

سرگذشت اصحاب کهف مسلماً در هیچیک از کتب آسمانی پیشین نبوده است (اعم از کتب اصلی و کتب تحریف یافته کنونی) و نباید هم باشد ، زیرا طبق نقل تاریخ این حادثه مربوط به قرون بعد از ظهور مسیح (ع) است .

این جریان مربوط به زمان «**دگیوس**» (که عرب آن **دقیانوس** است) می‌باشد که در عصر او مسیحیان تحت شکنجه سختی قرار داشتند .

و به گفته مورخان اروپائی این حادثه میان سالهای ۲۹۹ تا ۲۵۱ میلادی روی داده است ، این مورخان مدت خواب آنها را ۱۵۷ سال میدانند و آنها را به عنوان «هفت تن خفتگان افسوس» می‌شناسند (۱) در حالی که در میان ما به عنوان «اصحاب کهف» شناخته می‌شوند .

(۱) اعلام آقران صفحه ۱۵۳

اکنون ببینیم «افسوس» کجاست و نخستین دانشمندانی که در زمینه داستان این خفتگان کتاب نوشته‌اند چه کسانی، و در چه قرنی بوده‌اند :

«افسوس» یا «افسس» (به ضم الف و سین) یکی از شهرهای آسیای صغیر (ترکیه کنونی که قسمتی از روم شرقی قدیم است) بوده و در نزدیکی رود **گاستر** در حدود ۴۰ میلی جنوب شرقی «ازمیر» قرار داشته که پایتخت پادشاه «ایونی» محسوب می‌شده است. «افسوس» بخاطر معبد معروف و بتخانه «ارطامیس» که از عجائب هفتگانه جهان بود نیز معروفیت جهانی دارد (۱)

می‌گویند داستان اصحاب کهف برای نخستین بار در قرن پنجم میلادی بوسیله یکی از دانشمندان مسیحی بنام «ژاک» که خلیفه کلیسای سوریه بود در رساله‌ای که به زبان سریانی نوشته است تشریح گردید. سپس شخص دیگری به نام «گوتویوس» آن رساله را به لاتینی ترجمه نمود و نام «**جلال شهادت**» را بر آن گذاشت (۲)

و این خود می‌رساند که این حادثه یکی دو قرن پیش از ظهور اسلام در میان مسیحیان شهرت داشته و مورد توجه محافل کلیسایی بوده است.

البته همانطور که اشاره شد پاره‌ای از مشخصات آن - از جمله مقدار مدت خواب آنها - با آنچه در منابع اسلامی آمده تفاوت دارد زیرا قرآن صریحاً مدت خواب آنها را ۳۰۹ سال ذکر کرده است.

از طرفی طبق نقل «**یاقوت حموی**» در کتاب «معجم البلدان» (جلد دوم صفحه ۸۰۶) و «**ابن خردادبه**» در کتاب «المسالک و الممالک» (صفحه ۱۰۶ تا ۱۱۰) «**وابوریحان بیرونی**» در کتاب «الانوار الباقیه» (صفحه ۲۹۰) جمعی از جهانگردان قدیم در شهر «آبس» غاری یافته‌اند که در آن چندین جسد خشک شده وجود داشته است و احتمال می‌دهند که این موضوع مربوط به همین داستان باشد.

ازلحّن آیات قرآن در سوره کهف و شأن نزولهایی که در این زمینه در منابع اسلامی برای آیات مزبور وارد شده استفاده می‌شود که حادثه مزبور در میان دانشمندان یهود نیز بعنوان یک حادثه تاریخی مشهور بوده است و به این ترتیب روشن می‌گردد که ماجرای این خواب طولانی در منابع تاریخی اقوام مختلف آمده است. (دنباله دارد)

(۱) اقتباس از کتاب قاموس مقدس صفحه ۸۲

(۲) اعلام القرآن صفحه ۱۵۴